

سال اول. شماره ۰۲  
۷ تیرماه ۱۳۹۹

هفته  
نامه

نخستین هفته نامه الکترونیک غیر برخط استان مرکزی

نمای هفته در گفتگو با محمد حسن آصفری  
به بررسی علل گرانی ارز و نقش دولت  
در کاهش قیمت آن می پردازد

# پاروی دولت زیر ارز

یادداشت هفته

مدیریت ستاره های  
رسانه ملی بر عهده کیست؟

نمای هفته در گفتگو با محمد حسن آصفری نماینده اراک، خنداب و کمیجان در مجلس  
به بررسی علل گرانی ارز و نقش دولت در کاهش قیمت آن می پردازد

# پاروی دولت زیر ارز



۲

نگار هفته

شورای اسلامی به بررسی علل گرانی شدن ارز و نقش دولت در کاهش قیمت آن پرداخته است.

آصفری با اشاره به تبعات ناگوار افزایش نرخ ارز در اقتصاد کشور، اظهار کرد: این افزایش نرخ تأثیرات منفی بسیار زیادی را در حوزه اقتصاد کشور خواهد گذاشت و علاوه بر آن نمی توان از تأثیرات منفی آن در بازار و معیشت مردم چشم پوشی کرد، حتی اگر این افزایش نرخ، تأثیری بر افزایش هزینه های تولیدی کالا و محصولات نداشته باشد، ولی در حین عرضه، فروشنده به بهانه افزایش نرخ ارز آن کالا و محصول را به چند برابر قیمت تولید شده به فروش می رساند.

از هجده هزار تومان رسیده، با این تفاوت که اکثر مردم، اختلاف نظری درباره رسیدن دلار به نرخ های بالاتر ندارند و افزایش مستمر قیمت ها باعث شده رشد قیمت دلار، طبیعی تر از هر زمان دیگری به نظرشان برسد. قیمت این اسکناس که در اواخر اردیبهشت امسال حدود ۱۶ هزار و ۸۰۰ تومان بود روند رو به رشد را بی وقفه در تمام روزها (به جز روزهای معدودی) طی کرد تا اینکه قیمت ارز به رقم باور نکردنی فعلی در بازار آزاد رسید.

از این رو هفته نامه نمای هفته در گفتگو با محمد حسن آصفری، نماینده مردم اراک، خنداب و کمیجان در مجلس

**۶ کوروش دیباج:** دو سال پیش، دلال هایی که از ترس دستگیر شدن توسط مأموران پلیس، در کوچه پس کوچه های خیابان فردوسی تهران پنهان شده بودند، پیش بینی می کردند که قیمت دلار در بیشترین رقم به ۱۰ هزار تومان برسد. آنها این عدد را با تردید به زبان می آوردند و حتی بین شان بحث هم اتفاق می افتاد، چرا که آن موقع یعنی اردیبهشت ۹۷، قیمت دلار حدود ۶ هزار تومان بود و دولت هم بر حضور همه جانبه در بازار برای کنترل نرخ ارز تأکید داشت. حالا اما در آستانه تابستان ۹۹، قیمت دلار به بیش

وی ادامه داد: افزایش قیمت کالای داخلی هیچ ربطی به افزایش نرخ ارز ندارد زیرا تمام مواد و مراحل تولید کالا در داخل کشور صورت می گیرد به عنوان مثال صنعتی همچون رب گوجه سازی که تمام مواد اولیه آن از داخل و مراحل تولید آن در کشور انجام می شود چه ارتباطی با قیمت نرخ ارز دارد که یک دفعه قیمت این کالا افزایش چشمگیری پیدا می کند.

نماینده مردم اراک، خنداب و کمیجان در مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: نظارت و اقدام دولت بر توزیع بازار ارز یک مسأله جدی است و عدم رعایت این امر باعث می شود ارزش پولی کشور کاهش یابد. به نظرم مهمترین علت کاهش ارزش پول کشور عدم برنامه ریزی دولت برای رونق گرفتن تولید است، امروز باید کمیته ها و میزهای اختصاصی- اقتصادی در دستگاه دیپلماسی کشور در سفارت خانه ها فعال شوند تا بتوان از این طریق با جذب سرمایه گذار جهت دور زدن تحریم ها اقدام کرد.

آصفری گفت: هم اکنون پنج کشور به غیر از کشورمان مورد تحریم قرار گرفته اند، اگر جمهوری اسلامی ایران با این کشورها در مورد مبادلات اقتصادی تعامل داشته باشد و حتی واحد پولی مشترکی بین پنج کشور جهت مبادلات اقتصادی ایجاد شود، بر روی نرخ ارز تاثیر به سزایی خواهد داشت.

نماینده مردم اراک، خنداب و کمیجان در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: در بحث ترک نرخی کردن قیمت ارز و اینکه قیمت واحدی داشته باشد دولت باید اقدام و نظارت مستمری داشته باشد. دولت در بحث ترک نرخی کردن ارز باید کمک های خود را در بخش کالاهای اساسی مورد نیاز کشور و مردم متمرکز کند. اگر این امر به درستی محقق شود کمک شایانی به کاهش تلاطم بازار خواهد کرد.

آصفری بیان کرد: ارزهایی که به بعضی از وارد کنندگان تخصیص داده می شود، برای کالاهایی هزینه می شود که عمدتاً جزو کالاهای اساسی و استراتژیک کشور نیستند، متأسفانه بخش اعظم ارز

کشور که باید برای تامین کالاهای اساسی و استراتژیک کشور هزینه شود برای واردات مربا، چوب بستنی، غذای سگ و گربه و... هزینه می شود. وی تاکید کرد: ارز متعلق به همه مردم



**ارزهایی که به بعضی از وارد کنندگان تخصیص داده می شود، برای کالاهایی هزینه می شود که عمدتاً جزو کالاهای اساسی و استراتژیک کشور نیستند**

**متأسفانه بخش اعظم ارز کشور که باید برای تامین کالاهای اساسی و استراتژیک کشور هزینه شود برای واردات مربا، چوب بستنی، غذای سگ و گربه و... هزینه می شود**

**باید دولت پاسخگو باشد، چه لزومی دارد ارز کشور برای تأمین کالاهایی هزینه شود که مورد نیاز ۱۰ درصد مردم و قشر خاص است**

**مجلس نظارتش را بر بحث واگذاری ارز بطور جد دنبال خواهد کرد و مجلس به دولت اجازه نخواهد داد، ارز را به کالاهایی اختصاص دهد که کالاهای اساسی نیستند**

**نسبت به عملکرد ستاد تنظیم بازار استان گلایه مندم**

است و نباید این ارز برای تامین نیازهای یک قشر خاص هزینه شود، باید دولت پاسخگو باشد چه لزومی دارد ارز کشور برای تأمین کالاهایی هزینه شود که مورد نیاز ۱۰ درصد مردم کشور و قشر خاص است.

نماینده مردم اراک، خنداب و کمیجان در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: دولت در بحث ارز جهت تامین کالاهای اساسی اولویت داشته باشد، باید اولویت را در بحث تامین دارو، تامین کالاهای اساسی و خوراک قرار دهد و همینطوری پارو زیر ارز نزند تا در اثر این اقدامات بتواند التهاب بازار را کنترل کند.

آصفری تصریح کرد: مجلس نظارتش را بر بحث واگذاری ارز بطور جد دنبال خواهد کرد و مجلس به دولت اجازه نخواهد داد، ارز را به کالاهایی اختصاص دهد که کالاهای اساسی نیستند. مجلس یازدهم از گروه های پارلمانی خودش برای جذب سرمایه گذاری خارجی استفاده خواهد کرد که باعث ارزآوری در کشور و افزایش صندوق های ارزی کشور می شود. وی ادامه داد: مجلس نسبت به سهم ۳۰ درصدی که دولت باید در صندوق ذخیره واریز کند بطور جد پیگیری خواهد کرد و قطعاً این دوره از مجلس ابعاد نظارتی خود را تقویت نموده که حداقل آن جایگاه هزینه کرد برای کشور، جایگاهی باشد که بتواند نیاز معیشتی مردم را تامین کند.

نماینده مردم اراک، خنداب و کمیجان در مجلس شورای اسلامی گفت: قوانین کمی در بحث کنترل و هزینه کرد ارز برای تامین کالاهای اساسی وجود ندارد، منتهی این قوانین تا کنون اجرا نشده و یا به درستی انجام نشده است؛ همانگونه که اشاره کردم در این دوره مجلس تصمیم داریم که بعد نظارتی خود را بر اجرای قوانین بیشتر کنیم. آصفری در پایان با اشاره به نقش ستاد تنظیم بار در کاهش تلاطم بازار، گفت: بنده نسبت به ستاد تنظیم بازار استان گلایه شدیدی دارم و متأسفانه این ستاد در سطح ملی و استانی و دستگاه متولی آن نظارتی بر بحث کالاهای و خدمات دهی به مردم بویژه در حمایت از مصرف کننده، نداشته است.



# مدیریت ستاره های رسانه ملی بر عهده کیست؟

۶

**وحید حاج سعیدی:** مزدک میرزایی به یک شبکه خارج از کشور پیوست؛ محسن افشانی بازیگر ایرانی به دلیل انتشار ویدئو با اسلحه و چاقو دستگیر و روانه زندان شد؛ جزییات ارتباط نامشروع مجری صدا و سیما با دختر جوان، عکس های بی حجاب خانم مجری در حال خوردن مشروبات الکلی در خارج از کشور، تولد فرزند رامبد جوان در کانادا، کشف حجاب بانوان هنر پیشه و پیوستن به شبکه های خارجی، انصراف برخی از بازیگران کم فروغ رسانه ملی از حضور در صدا و سیما و ... اخباری از این دست که هر چند وقت یکبار در رسانه های مختلف منتشر شده و بازتاب های گسترده و البته متفاوتی در کشور دارند، حاکی از ضعف و یا حتی نبود سیستم نظارت بر رفتار ستاره های مختلف به ویژه چهره های شاخص رسانه ملی است. تجرد، ازدواج ها و طلاق های ادواری، کشف حجاب، انتشار ویدئو و تصاویری خلاف عرف جامعه با حیوانات خانگی و چاقو و اسلحه، انتشار عکس های شخصی در شبکه های تصویر محور، استفاده از پوشش نامناسب و نامتعارف و گاهی زننده در مراسم رسمی، داشتن مواضع اپوزیسیونی و حتی مخالفت با حاکمیت و نظام، اظهار نظرات شاذ و گاهی خلاف واقع در خصوص وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... بخشی از مختصات شخصیتی تعدادی از بازیگران، هنرمندان، مجریان و نویسندگان رسانه ملی است که در بسیاری موارد با انتقادهای گوناگون همراه بوده است. ناگفته نماند که با وجود موارد عدیده فوق و تناقض در رفتار و گفتار این

چهره ها، معمولاً کژتابی و بی قانونی های این جماعت، با کدخدا منشی و مصلحت اندیشی خام دستانه ای نادیده انگاشته می شود و پس از مدتی ممنوع تصویر شدن یا مجازات های خفیف و کم اثر مشابه، با پیشنهاد دستمزدهای هنگفت دوباره به قاب جادویی باز می گردند مگر اینکه مهاجرت کرده باشند و قصد بازگشت به کشور را نداشته باشند!

وجود همین سیاست های دو گانه و مصلحت اندیشانه، در کنار نبود نظارت و مدیریت بر ستاره ها که در همه جای دنیا مرسوم و متداول است، باعث شده تا هر از گاهی شاهد رفتارها، اظهارنظرات و برخوردهای خلاف عرف از سوی این ستاره ها باشیم. از سویی باید اذعان داشت سلبریتی ها پدیده نو ظهوری نیستند و همین امر باعث شده تا در ممالک پیشرفته تدابیری برای کنترل رفتار آنها اندیشیده شود. آنتونی لیلتنی در کتابی تحت عنوان «خلق سلبریتی ها»، آغاز شکل گیری افرادی با عنوان سلبریتی را به قرن ۱۸ مرتبط می داند. لیلتنی معتقد است خلق این آدم ها ربطی به مفاهیم

شکوه، عظمت، زیبایی، پولدار بودن و جایگاه اجتماعی آنان ندارد. در واقع مفهوم سلبریتی حاصل علاقه مردم به شخصیت فردی افراد مشهور است. این علاقه مردم به آگاهی از زندگی خصوصی افراد معروف در کنار ذوق زدگی و فقدان مهارت برخی سلبریتی ها در کنترل هیجان ناشی از علاقه مردم، گاهی منجر به بروز رفتار خلاف عرف از سوی آنان می شود. هر چند شاید رفتار افراد مشهور در سایر کشورهای دنیا نیز در مواقعی خارج از عرف جامعه آنان باشد، ولی لازم به ذکر است که در اکثر کشورهای پیشرفته دنیا برنامه های مدون و مشخصی برای کنترل و نظارت بر ستاره ها و عدم سوء استفاده آنان از جایگاه و موقعیتی که به مدد رسانه و بودجه مردمی به دست آورده اند، تنظیم شده است که برخی از آنها در قراردادهای حرفه ای حقوقی نظیر «حق تصویر»، «حق شهرت»، «حق تجاری سازی و بازرگانی» می باشند. در حقیقت این افراد پس از کسب شهرت از قبل یک سازمان رسانه ای، در صورت شرکت در برنامه های مختلف باید بخشی از دستمزد خود را به سازمان رسانه ای که در رشد آنها سهم بوده اند بپردازند. اما از آنجا که در کشور ما اکثر اوقات سرنا از سر گشاد آن نواخته می شود، گاهی شاهد هستیم بازیگران، خوانندگان، ورزشکاران یا افرادی که به واسطه حضور در رسانه ملی یا قاب آن به شهرتی رسیده اند بابت حضور در برنامه های مناسبی از رسانه ملی، سکه یا هدایای نقدی طلب می کنند و یا اینکه اساساً حضور در رسانه ملی را تحریم می کنند! (هر چند با شل شدن سر کیسه از سوی رسانه ملی «از پای فتاده سرنگون» به قاب جادویی باز می گردند!)



دلایل متعددی در بروز رفتار های غیر حرفه ای سلبریتی ها نقش دارند. نپرداختن مالیات واقعی و شفاف نبودن میزان درآمد ستاره ها در برنامه های پر مخاطب رسانه ملی و حتی خارج از مجموعه به ویژه در جشن امضاها، افتتاحیه ها، تبلیغات کاندیدها، مراسم و برنامه های مختلف که از آنها به عنوان مجری یا مهمان دعوت می گردد، از چالش های اقتصادی موجود است که در شکل گیری ساختار به ظاهر متفاوت سلبریتی ها با سایر افراد جامعه بی تاثیر نیست. به عنوان مثال یکی از هنرپیشگان درجه دو سینما و رسانه ملی در سال ۹۶ برای شرکت در جشن یک محصول در شمال کشور ۷ میلیون تومان برای حضور به عنوان مهمان و ۱۲ میلیون تومان دستمزد در صورت مجری گری به همراه بلیط رفت و برگشت هواپیما و اسکان در هتل مطالبه نمود!

این درآمد های بادآورده و فاقد مالیات در کنار عدم پرداخت حق السهم رسانه ملی از شهرتی که رایگان به این افراد هبه کرده، باعث شده تا ژانر جدیدی در رفتار برخی ستارگان رسانه ملی (اعم از بازیگر، مجری، کارشناس، حتی فوتبالیست های سرخابی و ...) ایجاد شود و آنها خود را تافته جدا بافته بدانند که ماحصل آن بروز ساختارشکنی هایی خلاف عرف و زندگی اکثریت جامعه باشد که نمونه هایی از آن را در ابتدای این مقال مرور کردیم. این موارد در کنار نبود قراردادهای حرفه ای و تعدادی فالوور یا هوادار که بخش اعظمی از آنها خریداری شده اند، این توهم را در سلبریتی ها به وجود آورده که پس از کسب شهرت و محبوبیت، هیچ فرد یا نهادی حق برخورد با آنها را ندارد؛ غافل از اینکه در سایر کشورها بر روی مصاحبه ها، گفتار و رفتار و حتی صفحه های شخصی آنها کنترل و نظارت است و باید بابت گفتار و رفتارشان بر اساس قراردادهای حرفه ای که بسته اند، پاسخگو باشند.

در حقیقت اگر رسانه ملی در قراردادهایش به مفاد بین المللی و آیتم هایی نظیر حق شهرت، حق تصویر و ... تکیه کند می تواند مانع بروز بسیاری از این اتفاقات و کژتابی های اجتماعی را که تفاوت «نقش بازیگران» با «خود واقعی افراد» یا درآمدزایی از طریق شهرت و چهره شدن آنها ایجاد می کند، بگیرد. هر چند گهگاه این اتفاق افتاده است ولی تعداد آن به اندازه ای نیست که بتوان آن را یک راهبرد نامید. به عنوان مثال مرحوم «فرج الله سلحشور» هنگام تنظیم قرارداد با «مصطفی زمانی» بازیگر نقش حضرت یوسف (ع) بندی به قرارداد افزود مبنی بر اینکه ایشان تا ۵ سال نتواند هر فیلمی که می خواهد بازی کند که آن نقش ها به جایگاه نقش یوسف پیامبر لطمه بزنند؛ این مسأله را می توان با توجه به تجربه های جهانی در دیگر سازمان های رسانه ای نیز مورد بررسی قرار داد که در درجه اول به قراردادهای ستاره ها بازمی گردد. در سازمان های رسانه ای دنیا به واسطه آنکه «ستاره» آخرین حلقه ارتباط سازمان رسانه ای با مخاطب است، قراردادهای ویژه ای با آنها تنظیم می شود که در آن «حق شهرت»، «حق تصویر»، «حق مالکیت معنوی»، «حق تبلیغات و تجاری سازی برند» و ... لحاظ می شود و حتی در برخی قراردادهای «لزوم رعایت چارچوب های ایدئولوژیک سازمان رسانه ای» نیز گنجانده می شود که در صورت تخطی از آن، سازمان رسانه ای، برخورد حقوقی را انجام می دهد. این برخورد ها به دلیل شفافیت در فضای رسانه ای برای مخاطب قابل قبول بوده و همواره حق را به سازمان رسانه ای می دهند. به دیگر سخن سازمان های رسانه ای همواره در چند چالش «اقتصادی و بازرگانی»، «سیاسی» و «فرهنگی و اجتماعی» با ستاره های خود قرار دارند، اما قراردادهای حقوقی محکم و لازم الاجرائی که با آنها می بندند باعث می شود ستاره ها نتوانند خارج

از چارچوب های سازمان رسانه ای متبوع عمل کنند. رعایت این اصول در شرکت ها و موسسات معتبر با دقت بیشتری صورت می گیرد. به عنوان مثال رعایت اصول حرفه ای در در مجموعه بزرگ و معتبری نظیر هالیوود تا آنجاست که حتی روی جملات و اظهار نظرات بازیگران نظارت است و هنرمندان حق هر گونه اظهار نظر یا بیان هر مطلبی را ندارند. مثلاً «تام هنکس» بازیگر نامدار و صدپیشه شخصیت «وودی» در داستان اسباب بازی در مصاحبه ای از او سوال شد آیا در حال ساخت داستان اسباب بازی ۴ هستید و او پاسخ داد: بله! فردای آن روز وکیل دیزنی با وی تماس گرفت و به او گوشزد کرد در قراردادش ذکر شده است که حق ندارد درباره کاری که با هالیوود انجام می دهد صحبت کند!

هر چند شاید رسیدن به این سطح از کنترل هنرمندان و بازیگران بسیار زمان بر و هزینه زا باشد ولی شاید اگر گردانندگان مجموعه چند هکتاری صدا و سیما با تغییر راهبرد و قبل از بها دادن به افرادی که جنبه و ظرفیت شهرت را ندارند، در انتخاب افراد و بستن قراردادهای شغلی و حرفه ای با بازیگران، مجریان، نویسندگان و ... کمی حرفه ای تر عمل کنند و مفاد و نکات حقوقی بین المللی را نیز مطالعه کنند و در قراردادهای بگنجانند، شاید بتوانند مانع از بروز چنین رویدادها و رفتارهایی از سوی چهره های شاخص شوند که دانسته یا نا دانسته منجر به جریحه دار شدن عفت عمومی یا تشویش اذهان عمومی و ... می شوند.

بی تردید برخورد قاطع با هنجار شکنان و قطع ارتباط دائم با هنرمندانی که از رعایت ابتدایی ترین آداب و هنجارهای اجتماعی سر باز می زنند و به عبارتی دوگانگی در رفتار و شخصیت آنها نهادینه شده است، می تواند در پیشگیری از بروز چنین رفتار هایی در نزد شهرت یافتگان در قاب رسانه ملی موثر باشد.